

## حکم احضاریه جدید علی نجاتی

**چهره شناخته شده سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را باید در تاریخ قضاوت ایران، به نام صادر کننده اش به "ثبت" رساند!**

امیرجوهری لنگرودی

چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۹۱ برابر با ۲۴ اکتبر ۲۰۱۲



علی نجاتی چهره شناخته شده جنبش کارگری و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کارگری که بارها طعم تلخ محاکمه و غیابا با وجود داشتن بیست و پنج سال سابقه ی کاری، طعم تلخ اخراج از کارراکشیده و به زندان افتاده است. دوراخریبازداشتش در زندان، خبر ناراحتی قلبی اش، عدم دسترسی به دکترومداوا در زندان، نگرانی خیل عظیم یاران پر شمارش در داخل و خارج از کشور را برانگیخت و سرانجام در برابر حمایت های وسیع و گسترده در سطح جهان از او از جمله: تحرکات نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در خارج از کشور، فعالان اتحاد بین المللی در دفاع از حقوق کارگران، سایر مدافعین حقوق کارگران و نامه های "فدراسیون بین المللی کارگران صنایع غذایی، کشاورزی و خدماتی" و "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری" در شکایت نامه خود از جمهوری اسلامی از دبیرکل سازمان بین المللی کار خواستند تا این سازمان در بالاترین سطح برای اطمینان یافتن از سلامتی آقای نجاتی و آزادی او اقدام کند. سرانجام کارش به بیمارستان و بستری شدن، عمل جراحی و آزادی انجامید

من بعنوان فعال عرصه کار و کارگری که بشکل روتین روز شمار جنبش کارگری و فعل و انفعالات آنرا دنبال می کنم . از یک سو خیر آزادی علی نجاتی بغایت خوشحالم ساخت و از سوی دیگر در اندک زمان پس از آزادی، خبر ابلاغ احضاریه جدید که او را مجبور نمود روز شنبه ۲۹ مهر ماه، در شعبه اول دادیاری دادگستری شهرستان شوش حاضر گردد و مورد بازجویی قرار گیرد، برایم تعجب انگیز و نگرانی آور بود. عجیب آنکه طبق خبر های دریافتی و گفتگوی بس خودمانی و صمیمی علی نجاتی با "رادیو ندا" \* در شعبه اول دادیاری دادگستری شهرستان شوش به ایشان می گویند : "شما بر اساس مستندات سی دی ایی که بر روی پرونده همسرتان است سال گذشته به کردستان رفته و در آنجا سخنرانی کرده و ترانه حماسی و تحریک کننده «دایه دایه وقت جنگه» لری را خوانده اید." علی نجاتی به دفاع از خود می پردازد و با بیانی شیرین یاد آور می گردد: " ما در یک جمع بزرگ خانوادگی حضور داشتیم و در چنین جمع هایی طبیعی است که آدمها صحبت بکنند یا آواز و ترانه های محلی و فورکلوریک خوانده می شود و من نیز آهنگ لری "دایه دایه" را خواندم . اینکه جرمی نیست." نجاتی اضافه می کند: "این آهنگ را تمام مردم لرستان در سینه دارند و اگر خواندن آن ممنوع و حکم و احضاریه داشته باشد، باید تمام مردم لر زبان را دستگیر و محبوس نمود. (نقل به مضمون از گفتار علی نجاتی) در ادامه این بازجویی دادیار شعبه یک

دادگستری شهرستان شوش با تعیین وثیقه ده میلیون ریالی برای آزادی علی نجاتی اعلام کرد: " ما این سی دی را جهت تحقیقات و تکمیل پرونده به دادگستری استان کردستان خواهیم فرستاد و چنانچه دادگستری این استان قصد محاکمه شما را در آنجا نداشته باشد همینجا به پرونده شما رسیدگی خواهیم کرد."

بدون هیچ تردیدی، احضار و محاکمه مجدد علی نجاتی به اتهام بی پایه، مسخره و ضدملی خواندن ترانه لری "دایه دایه"، وقت جنگه" یک رسوایی تازه قضایی و از جمله پرونده هایی است که باید در تاریخ قضاوت کشور ایران به نام ابلاغ کننده و دادیار قضایی اش "ثابت" گردد. همین افتخار متوجه دستگاه قضایی کشور که در غیاب شوهر زندانی، به منزلش میریزند و همسرش را به جرم گفتگو با "رادیوهای بیگانه" و "دفاع از شوهرش" بازداشت و کامپیوترخانه را با خود می برند تا پرونده زندانی را برای دو فردای دیگر چاق و چله تر تحویل دهند. ادعای اینکه "سی دی ایی که بروی پرونده همسران است..." بیانگر همین پرونده سازی و فشار بر کارگری آگاه و سازماندهنده است. کارگری که تا هم اکنون و در برابر تمامی اتهامات وارده بر خود، کمترین اتهامی را بر علیه امنیت کشور نپذیرفته و با قاطعیت اعلام داشته است: "صحبتی که با رفقا و دوستان دارم اینست که؛ من تنها اتهامی که در رابطه با پرونده ها، نه این پرونده بلکه پرونده قبلی، تنها اتهامی که من می توئم بخوئم بقبولانم، اتهام دفاع از حقوق طبقاتی خودم بوده است. یعنی بعنوان یک اتهام، این را می پذیرم که بعنوان نماینده طبقه کارگر، به اتهام دفاع از حقوق هم طبقه ی هام، باید محکوم بشوم.

امیدوارم که تمام کارگران، زحمتکشان، انسان های شرافتمند، این را مدنظر داشته باشند که دفاع کردن از حقوق خود و دیگر هم طبقه ی ها و خانواده ها، بهر حال هزینه خودش را دارد. از این نظر من این اتهام را می پذیرم. ولی اتهام علیه نظام را به هیچ عنوان در دادگاه قبلی و در این دادگاه نپذیرفته و نمی پذیرم. کاملاً حکم، حکم ناعادلانه و نابرابری هست"\*\*\*

اینگونه پرونده سازی که در رابطه با فعالان عرصه کار و کارگری صورت گرفته و چهره های خوشنام کارگری همچون: رضا شهابی - افشین اسانلو - محمد جراحی - شاهرخ زمانی - بهنام ابراهیم زاده - و احضارها و بازداشت هایی پی در پی، از دیرباز تا به امروز با خود دنبال دارد، اساساً سیاست نهادهای امنیتی رژیم را بازتاب می دهد که با ادامه پیگرد و آزار فعالین شناخته کارگری و پرونده سازی های کثیف قصد دارند به هر ترتیبی شده جلوی ادامه فعالیت و حضور این فعالین در جنبش کارگری را بگیرند. پیام این برخورد مقابله با هر نوع فعالیت مستقل کارگری و دفاع از حقوق کارگران است. جا دارد که در هفته جهانی کارزار دفاع از موجودیت جنبش کارگری و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، یک صدا فریاد آزادی همه زندانیان کارگرو زندانیان سیاسی را سردهیم و در این پیکار هر یک به سهم خویش گوشه ای از این کارزار پرشکوه را که به همه ما تعلق دارد بگیریم و فریاد بیاوریم که **کارگران ایران تنها نیستند!**

<http://radioneda.wordpress.com/2012/10/22/rn-501/>\*

[http://chzamani.blogspot.se/2011/08/blog-post\\_7253.html](http://chzamani.blogspot.se/2011/08/blog-post_7253.html)\*\*